

**Governance Patterns; Geopolitical Faults and America's Competition with China and Russia**

Omid Asiaban<sup>1</sup>

**Abstract**

In the current situation of the international system, the competition between America, China and Russia has increased at the geostrategic level. These competitions have affected the international system at different levels and dimensions of geopolitical regions. The main question of the research is why the competition between America, Russia and China has increased in the geopolitical areas of the international system? To answer this question, it can be said that although the competition between America, Russia and China in the regions of the international system is caused by the attempt to penetrate the regions and gain material benefits such as energy, but in this research, the conflict and clash of governance patterns as one of the The most important causes of geopolitical faults are considered. The research method is qualitative and document study with an explanatory and analytical approach, and the method of collecting data and information is library. According to the findings of this research, the competition of the United States with China and Russia has increased under the influence of governance patterns arising from the cultural foundations of identity-giving in the geopolitical faults of West Asia, East Asia and West Asia in political, economic, military and technological dimensions.

**Keywords:** Governance Model, Geopolitical Fault, Competition, Great Powers, Regions.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

7

Vol. 2  
Autumn 2022

Research Paper

Received:  
21 July 2022  
Accepted:  
24 October 2022  
P.P: 121-151



1. PhD student in international relations, University of Tehran, Tehran, Iran.

Omid.asiaban4385@gmail.com

**Governance Patterns; Geopolitical Faults and America's Competition with China and Russia**

Omid Asiaban<sup>1</sup>

**Abstract**

In the current situation of the international system, the competition between America, China and Russia has increased at the geostrategic level. These competitions have affected the international system at different levels and dimensions of geopolitical regions. The main question of the research is why the competition between America, Russia and China has increased in the geopolitical areas of the international system? To answer this question, it can be said that although the competition between America, Russia and China in the regions of the international system is caused by the attempt to penetrate the regions and gain material benefits such as energy, but in this research, the conflict and clash of governance patterns as one of the The most important causes of geopolitical faults are considered. The research method is qualitative and document study with an explanatory and analytical approach, and the method of collecting data and information is library. According to the findings of this research, the competition of the United States with China and Russia has increased under the influence of governance patterns arising from the cultural foundations of identity-giving in the geopolitical faults of West Asia, East Asia and West Asia in political, economic, military and technological dimensions.

**Keywords:** Governance Model, Geopolitical Fault, Competition, Great Powers, Regions.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

7

Vol. 2  
Autumn 2022

Research Paper

Received:  
21 July 2022  
Accepted:  
24 October 2022  
P.P: 121-151



1. Corresponding Author: PhD student in international relations, University of Tehran, Tehran, Iran.  
Omid.asiaban4385@gmail.com



## الگوهای حکمرانی؛ گسل‌های ژئوپلیتیک و رقابت آمریکا با چین و روسیه

امید آسیابان<sup>۱</sup>

### چکیده

در شرایط کنونی سیستم بین‌الملل، در سطح ژئواستراتژیک بر رقابت‌ها میان آمریکا با چین و روسیه افزوده شده است. این رقابت‌ها در سطح و ابعاد مختلف مناطق ژئوپلیتیک سیستم بین‌الملل را تحت تأثیر قرار داده است. پرسش اصلی پژوهش این است که چرا رقابت‌ها میان آمریکا با روسیه و چین در مناطق ژئوپلیتیک سیستم بین‌الملل افزایش یافته است؟ برای پاسخ به این پرسش میتوان گفت اگرچه رقابت‌های آمریکا، روسیه و چین در مناطق سیستم بین‌الملل ناشی از تلاش برای نفوذ در مناطق و کسب منافع مادی مانند انرژی است، اما در این پژوهش تضاد و برخورد الگوهای حکمرانی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دلایل ایجاد گسل‌های ژئوپلیتیک در نظر گرفته شده است. روش پژوهش از نوع کیفی و مطالعه اسنادی با رویکردی تبیینی و تحلیلی است و روش جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات نیز کتابخانه‌ای است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، رقابت‌های آمریکا با چین و روسیه تحت تأثیر الگوهای حکمرانی برآمده از مبانی تمدنی هویت‌بخش در گسل‌های ژئوپلیتیکی غرب آسیا، شرق آسیا و غرب آسیا در ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی و تکنولوژیکی افزایش یافته است.

کلیدواژه‌ها: الگوی حکمرانی؛ گسل ژئوپلیتیک؛ رقابت؛ قدرت‌های بزرگ؛ مناطق.

## مقدمه

با حمله روسیه به اوکراین و آغاز این جنگ در سال ۲۰۲۲ میلادی بسیاری از صاحب‌نظران بین‌المللی تلاش کردند علت این رخداد را در ابعاد مختلف تحلیل و تبیین کنند. نکته قابل توجه این است که در شرایط کنونی سیستم بین‌الملل علاوه بر شرق اروپا شاهد افزایش تنش‌ها و رقابت‌ها میان آمریکا با روسیه و چین در سایر مناطق هستیم. از یک سو، تلاش جمهوری خلق چین برای افزایش نفوذ در مناطق به واسطه طرح کمربند و جاده، موجب نگرانی اعضای اتحادیه اروپا و آمریکا شده است. از سوی دیگر حضور نظامی و امنیتی آمریکا در منطقه شرق آسیا و پاسیفیک نگرانی‌هایی را برای چین به وجود آورده است. اگرچه روسیه علت حمله خود به اوکراین را نگرانی از پیوستن این دولت به ناتو می‌داند، اما در این پژوهش تلاش می‌شود که علت اصلی این چالش‌ها و رقابت‌ها مورد بررسی قرار بگیرد.

به نظر می‌رسد مناطق در سیستم بین‌الملل کانون رقابت‌های فزاینده میان آمریکا با روسیه و چین شده است. پرسش اصلی پژوهش این است که چرا رقابت‌ها میان آمریکا با روسیه و چین در مناطق ژئوپلیتیک سیستم بین‌الملل افزایش یافته است؟ برای پاسخ به این پرسش نگارنده در فرضیه این پژوهش بر گسل‌های ژئوپلیتیک ناشی از شبکه‌های تمدنی و هویتی در مناطق سیستم بین‌الملل توجه دارد؛ بنابراین می‌توان گفت اگرچه رقابت‌های آمریکا، روسیه و چین در مناطق سیستم بین‌الملل ناشی از تلاش برای نفوذ در مناطق و کسب منافع مادی مانند انرژی است، اما در این پژوهش تضاد و برخورد الگوهای حکمرانی به عنوان یکی از مهم‌ترین دلایل ایجاد گسل‌های ژئوپلیتیک در نظر گرفته شده است.

با توجه به اینکه شبکه‌های تمدنی و هویتی زیربنای نظم بین‌المللی را تشکیل می‌دهند و هر یک از این شبکه‌های تمدنی چشم‌انداز خاص خود را نسبت به الگوی حکمرانی دنبال می‌کنند، بنابراین می‌توان گفت رقابت‌های آمریکا، روسیه و چین در مناطق متعدد سیستم بین‌الملل ناشی از تضاد و برخورد الگوهای حکمرانی در گسل‌های ژئوپلیتیک است. هدف اصلی این پژوهش ارائه رویکردی تبیینی و تحلیلی بر اساس بررسی روابط علی میان متغیرهای فرضیه پژوهش است. در

پژوهش حاضر ابتدا تلاش می‌شود شبکه‌های تمدنی و هویتی بررسی شوند و سپس به نسبت‌سنجی شبکه‌های تمدنی و هویتی با الگوهای حکمرانی پرداخته خواهد شد و در نهایت به رقابت‌های ژئوپلیتیک میان آمریکا با روسیه و چین در ابعاد اقتصادی، نظامی، سیاسی و تکنولوژیکی از منظر تضاد میان الگوهای حکمرانی در مناطق غرب آسیا، شرق آسیا و شرق اروپا پرداخته خواهد شد.

## روش تحقیق

روش پژوهش از نوع کیفی و مطالعه اسنادی با رویکردی تبیینی و تحلیلی است و روش جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات نیز کتابخانه‌ای است. پژوهش‌های کیفی از طریق توصیف تجربی و تأکید بر محتوا منجر به افزایش معلومات در مورد پدیده‌ها در علوم اجتماعی می‌شود (دلاور، ۱۳۸۸: ۳۲۷). منظور از رویکرد تبیینی و تحلیلی در این پژوهش مطالعه روابط علی میان متغیرهای فرضیه پژوهش است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۲۳). بر این مبنا، روابط علی میان سه متغیر مستقل (الگوهای حکمرانی)، متغیر واسطه (گسل‌های ژئوپلیتیک) و متغیر وابسته (رقابت‌های روسیه، چین با آمریکا) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## پیشینه پژوهش

در ارتباط با این پژوهش تلاش می‌شود آثار علمی پیشین مرتبط با گسل‌های ژئوپلیتیک و رقابت قدرت‌های بزرگ مورد بررسی قرار بگیرد. حافظ‌نیا در مقاله‌ای با عنوان «گسل‌های ژئواستراتژیک فعال در جهان» به رقابت‌های ژئوپلیتیک میان چین و روسیه با آمریکا پرداخته است. روسیه و چین تلاش می‌کنند که برای خروج از چالش‌های ژئوپلیتیک بر آمریکا فائق شوند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۵).

دهشیار و امین‌آبادی در مقاله‌ای با عنوان «گسل‌های داخلی، تنیدگی‌های تاریخی، منطق ژئوپلیتیک قدرت و رویاروی برای شبه‌جزیره کریمه» وجود گسل‌های وسیع داخلی در اوکراین و از سویی دیگر درک تاریخی روس‌ها از شرایط و اعتقاد آن‌ها به منطق ژئوپلیتیک قدرت پرداخته است. درک تاریخی روس‌ها از ژئوپلیتیک هویتی و دخالت‌های غرب، شکل‌گیری بحران را در شبه‌جزیره کریمه اجتناب‌ناپذیر کرده است (دهشیار، ۱۳۹۳).

احمدی و همکاران ایشان در مقاله‌ای با عنوان «تبیین نظری تغییر ماهیت مناطق ژئوپلیتیک در رقابت بین قدرت‌ها» معتقدند که مناطق ژئوپلیتیک در رقابت بین قدرت‌ها ابتدا ماهیت طبیعی داشت، سپس ماهیت ایدئولوژیک یافت و در دوره کنونی نیز حقایق جغرافیایی مناطق مورد تأکید قرار می‌گیرد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۶). واسر<sup>۱</sup> و همکاران ایشان در گزارش تحقیقاتی با عنوان «تقاطع رقابت چین، روسیه و آمریکا غرب آسیا» به جزییات منافع و فعالیت‌های چین و روسیه در منطقه غرب آسیا در ابعاد سیاسی، اقتصادی، تکنولوژیکی، نظامی می‌پردازند و در نهایت به تضادها و مکمل بودن این فعالیت‌ها با منافع آمریکا اشاره می‌کنند (واسر و همکاران، ۲۰۲۲). هاینز<sup>۲</sup> در مقاله‌ای با عنوان «همکاری متقابل چین و روسیه و آینده رقابت قدرت‌های بزرگ» استدلال می‌کند که روسیه و چین به خوبی می‌توانند یک رابطه همکاری محدود اما بسیار مهم را در میان مدت و بلندمدت حفظ کنند. به این ترتیب، تهدید چین و روسیه برای نظم تحت رهبری آمریکا ناشی از یک تلاش هماهنگ برای ایجاد تعادل نیست، بلکه ناشی از حمایت متقابل از اقدامات تجدیدنظرطلبانه در مناطق نفوذ یکدیگر است (هاینز، ۲۰۲۲).

در تمامی این آثار و آثار مشابه از منظر متغیر مهم الگوهای حکمرانی در شکل‌گیری گسل‌های ژئوپلیتیک میان قدرت‌های بزرگ توجه نشده است و این پژوهش تلاش دارد تا به همبستگی میان الگوهای حکمرانی و رقابت‌های ژئوپلیتیک توجه شود.

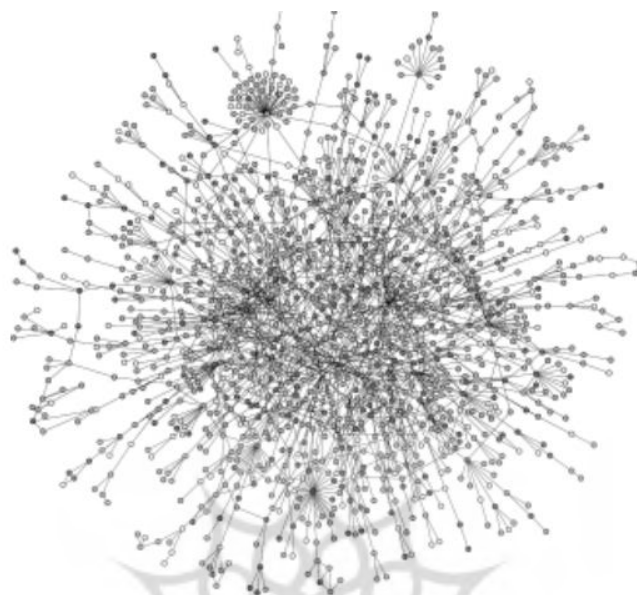
## مبانی نظری

پارامترهای نظم سیستم بین‌الملل در وضعیت پیچیدگی ساختاری از نوعی ساخت و فضای کنش اجتماعی - جغرافیایی گسترده برخوردار است. چارچوب کنش در وضعیت نوین صرفاً بر مبنای عوامل مادی ایجاد نشده است و در شرایط حاضر این فضای کنش نوین با عنوان شبکه ژئواستراتژیک اجتماعی شناخته می‌شود. روابط اجتماعی میان کنشگران متنوع سیستم بین‌الملل نوعی ساخت و بستر در سراسر سیستم بین‌الملل ایجاد کرده است. با در نظر گرفتن تعاملات و کنش‌های اجتماعی شاهد شکل‌گیری یک شبکه ژئواستراتژیک فراگیر در سطوح اجتماعی نیز

1. Wasser  
2. Haynes

هستیم. به عبارت دیگر در حال حاضر گستره ژئواستراتژیک سیستم بین‌الملل دچار دگرگونی بنیادین شده است و این تحولات به دلیل شکل‌گیری کنش‌ها و افزایش روابط اجتماعی تعاملی در سطوح متفاوت صورت گرفته است. مسائل هویتی و هنجاری تمامی عناصر ژئوپلیتیکی، نظامی و ژئواکونومیکی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. این به معنای آن است که نظریه‌های کلاسیک ژئواستراتژی که صرفاً به عناصر مادی و جغرافیایی و تأثیر آن‌ها بر سیاست را مورد تأکید قرار می‌دادند دیگر پاسخگوی تحولات در وضعیت پیچیدگی ساختاری نیستند؛ بنابراین پویش‌های اجتماعی و هویتی نقش قابل توجهی در شکل‌دهی و ایجاد گستره ژئواستراتژیک اجتماعی در روابط بین‌الملل دارند (بادی، ۲۰۱۸: ۴۲).

دو نکته در مورد شبکه ژئواستراتژیک اجتماعی در وضعیت پیچیدگی ساختاری قابل ذکر است. اول اینکه ژئواستراتژی در وضعیت نوین به معنای یک واقعیت خاص مادی و جغرافیایی نیست بلکه مفهومی برای شناسایی چشم‌اندازهای هویتی و گفتمانی گوناگون محسوب می‌شود. ژئواستراتژی در سطوح هنجارها و ارزش‌هایی قابل‌شناسایی است که دربرگیرنده آرمان‌ها و آرزوهای کنشگران شبکه‌ای برای دست‌یابی به یک وضعیت خاص هستند. حال آنکه ممکن است که کنشگران در شرایط کنونی موفق نشوند به این آرمان‌ها و آرزوهای ایدئولوژیک دست یابند. دوم اینکه مرزها در شبکه ژئواستراتژیک اجتماعی صرفاً به مرزهای ژئوپلیتیکی و جغرافیایی محدود نمی‌شوند. به عبارت دیگر به دلیل تغییر در پویش قدرت در وضعیت پیچیدگی ساختاری و شکل‌گیری ابعاد نوین قدرت نظیر قدرت ساختاری، مولد، نهادی و اجباری و انتشار شبکه‌ای قدرت، نمی‌توان همانند گذشته مرزها را به براساس ژئوپلیتیک تقسیم کرد. این امر به این معنا است که در وضعیت نوین ژئوپلیتیک و جغرافیا تعیین‌کننده بسیاری از تحولات بین‌المللی نخواهند بود بلکه عناصر هویتی و گفتمانی تعیین‌کننده ژئوپلیتیک در گستره ژئواستراتژیک هستند (والترز، ۲۰۰۴: ۶۷۹).



شکل ۱. شبکه ژئواستراتژیک (آسیابان، ۱۴۰۱: ۷۳)

شبکه ژئواستراتژیک اجتماعی به‌عنوان یک عرصه استراتژیک دربرگیرنده تمامی کنش‌ها و تعاملات اجتماعی است. بر همین اساس پویای ژئواکونومیک،<sup>۱</sup> تکنولوژیک،<sup>۲</sup> ژئوکالچر<sup>۳</sup> و ژئوپلیتیکی<sup>۴</sup> از طریق این تعاملات و کنش‌ها به ساختارهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و هویتی شکل می‌دهند. ساختارهای هنجاری و هویتی در این عرصه به تمامی ابعاد مادی معنا می‌دهند. در واقع شبکه ژئواستراتژیک بین‌المللی از شبکه‌های تمدنی و هویتی متفاوتی تشکیل شده است که هر کدام از شبکه‌ها دارای پیوندها و کانون‌های خاص خود هستند. این عرصه دارای ابعاد مادی و معنایی است که می‌توان گفت اجزای شبکه ژئواستراتژیک بین‌المللی محسوب می‌شوند (آدلر، ۲۰۱۹: ۱۳۷). تمامی شبکه‌های اصلی در سیستم بین‌الملل نظیر شبکه مرکزی و شبکه‌های پیرامونی و همچنین خرده شبکه‌های رابطه‌ای و خویشاوندی هر یک به‌عنوان موجودیت‌های هویتی متمایز

1. Geoeconomics
2. Technological
3. Geoculture
4. geopolitics



از یکدیگر نوعی سازمان اجتماعی یافته‌اند. این شبکه‌ها در گستره ژئواستراتژیک از طریق الگوهای مکرر ارتباطی در زمینه‌های اجتماعی در جهت گسترش و تحکیم ساختار افقی و عمودی خود هستند؛ بنابراین شبکه گسترده ژئواستراتژیک به‌عنوان یکی از ارکان مهم نظم در وضعیت پیچیدگی ساختاری محسوب می‌شود. این شبکه به‌عنوان یک صحنه استراتژیک به تمامی کنشگران و واحدهای سیستم بین‌الملل این امکان را می‌دهد تا ساختارهای هنجاری و هویتی خودشان را در روابط اجتماعی گسترش دهند (سانگیوانی، ۲۰۰۵: ۸).



شکل ۲. ساخت سه گانه گسله‌های ژئواستراتژیک (آسیابان، ۱۴۰۱: ۷۴)

## ۱. ساخت‌شناسی شبکه ژئواستراتژیک اجتماعی

شبکه ژئواستراتژیک اجتماعی در وضعیت پیچیدگی ساختاری به‌عنوان یک بستر و صحنه عملیات گسترده از مجموعه ساخت‌های ژئوپولیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچری تشکیل شده است. در اینجا به‌طور جداگانه به ساخت‌های این گستره ژئواستراتژیک پرداخته می‌شود. در اینجا ژئو فاقد مفهومی جغرافیایی است و بر اساس منطق شبکه‌ای مبتنی بر گره‌ها و کانون‌های شبکه مدنظر هستند.

## ۱-۱. ساخت ژئوپلیتیک هویتی<sup>۱</sup>

ژئوپلیتیک در تعریف کلاسیک از یک سو به عنوان سیاست قدرت معنا شده است و از سوی دیگر این مفهوم با عناصر جغرافیایی پیوند تنگاتنگی دارد (جوشی، ۲۰۱۶). با توجه به تغییر ساختار سیستم بین‌الملل در وضعیت پیچیدگی ساختاری و تحول در گستره ژئواستراتژیک سیستم بین‌الملل ساخت ژئوپلیتیک نیز دچار تغییر شده است. در پیچیدگی ساختاری برای تعریف ژئوپلیتیک نمی‌توان از عناصر جغرافیایی به عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر سیاست بین‌الملل اشاره کرد. این امر به این معناست که نوعی ساخت ژئوپلیتیک نوین در سیستم بین‌الملل به وجود آمده است. غلبه ساخت ژئوکالچری در ابعاد گفتمانی باعث شده است که ساخت ژئوپلیتیک در وضعیت پیچیدگی ساختاری تحت تأثیر هویت‌های تمدنی قرار بگیرد. ژئوپلیتیک هویتی به معنای گستره-های جغرافیایی هستند که کنشگران در شبکه‌های هویتی و تمدنی بر اساس مبانی گفتمانی خود آن را تعریف می‌کنند؛ بنابراین زمانی که از ژئوپلیتیک هویتی بحث می‌شود منظور تأثیرپذیری عناصر جغرافیایی و ژئوپلیتیک از گفتمان‌های تمدنی و هویتی در ساخت ژئوکالچری است (آسیابان، ۱۴۰۱: ۷۴-۷۵).

ژئوپلیتیک در وضعیت پیچیدگی ساختاری به دلیل نقش و جایگاه روابط اجتماعی کنشگران بر اساس دو مقوله مادی و معنایی مورد توجه است. در واقع ساختارهای هنجاری، هویتی و گفتمانی به عنوان متغیرهای مستقلی هستند که مناطق ژئوپلیتیک و جغرافیایی را برمی‌سازند؛ بنابراین از چشم‌انداز هویت‌ها و گفتمان‌های متفاوت مناطق ژئوپلیتیک در سیستم بین‌الملل متفاوت هستند (دالبی، ۱۹۹۱: ۲۷۴). ساخت ژئوپولیتکی به عنوان یک رویه اجتماعی، فرهنگی و هویتی در نظر گرفته می‌شود. در این چارچوب ژئوپلیتیک به عنوان یک پدیده فرهنگی توصیف و درک می‌شود که شامل پیوند میان عناصر مادی و جغرافیایی با بازنمایی‌های هویتی و گفتمانی است. بر این اساس شبکه‌های گفتمانی و هویتی در سیستم بین‌الملل نقاط جغرافیایی خاصی را بر اساس رویه‌ها و کنش‌های اجتماعی بازتعریف می‌کنند؛ بنابراین باید گفت ساخت ژئوپولیتکی به عنوان یک پدیده واحد محسوب نمی‌شود بلکه تکرر در ساخت‌های ژئوپلیتیک به عنوان یکی از ویژگی‌های مهم تلقی می‌شود (دالبی، ۱۹۹۱: ۳-۴).



شکل. **Error! No text of specified style in document.** عناصر ژئوپولیتیک هویتی (آسیابان، ۱۴۰۱: ۷۵)

## ۲-۱. ساخت ژئواکونومیکی

در وضعیت پیچیدگی ساختاری پویای اقتصاد نقش مهم و قابل توجهی در سیستم بین‌المللی نوین ایفا می‌کند. در واقع ساخت اقتصاد سرمایه‌داری پس از جنگ سرد و فروپاشی اقتصاد مارکسیستی اتحاد جماهیر شوروی به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر تحولات بین‌المللی محسوب می‌شود. این پویا در چارچوب اقتصاد سرمایه‌داری به ساخت ژئواکونومیکی شبکه ژئواستراتژیک اجتماعی شکل داده است. در شرایطی که رقابت میان شبکه‌های هویتی در گستره ژئواستراتژیک بین‌المللی وجود دارد، استفاده از گفتمان اقتصاد سرمایه‌داری به عنوان یکی از راهکارهای افزایش و گسترش نفوذ هنجاری و هویتی ابزاری نوین محسوب می‌شود (ویگل و همکاران، ۲۰۱۸: ۳). شبکه ژئواکونومیکی سرمایه‌داری در وضعیت پیچیدگی ساختاری دارای نوعی ساخت مادی است. منظور از ساخت مادی اقتصاد سرمایه‌داری وجود خرده‌شبکه‌های تجاری، صنعتی، پولی و مالی است که سرمایه‌داری از طریق این خرده‌شبکه‌ها کل تولید و انباشت

سرمایه را در شبکه بین‌المللی ژئواکونومیکی تحت کنترل خود دارد (گیلپین، ۲۰۱۸: ۲۲). مفاهیم و گزاره‌های ساخت مادی سرمایه‌داری در وضعیت پیچیدگی ساختاری شامل موارد ذیل می‌شود: شبکه بازارهای بین‌المللی، عرضه و تقاضا در میان کنشگران دولتی و غیردولتی؛

خرده شبکه‌های تجاری و مالی منطقه‌ای؛

مزیت نسبی به‌عنوان اساس تجارت بین‌المللی؛

تراز تجاری و رژیم‌های مالی بین‌المللی (تامپسون، ۲۰۱۱: ۳).

شبکه ژئواکونومیکی سرمایه‌داری باعث افزایش جریان‌های اقتصادی جهانی و به‌هم‌پیوسته شده است. بر این اساس تمامی شبکه‌های هویتی و اقتصادی بین‌المللی در این ساخت به کنش اقتصادی می‌پردازند. ضرورت‌های استراتژیک و هویتی تحت تأثیر این ساخت قرار دارند و تمامی کنشگران و واحدهای سیستم بین‌الملل در شبکه ژئواکونومیکی سرمایه‌داری به دنبال افزایش قدرت مادی هستند (ویگل و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۰). این شبکه منجر به ایجاد نوعی وابستگی متقابل شده است که در این روابط مبتنی بر وابستگی تمامی دولت‌ها و کنشگران غیردولتی سیستم بین‌الملل تحت تأثیر شبکه ژئواکونومیک سرمایه‌داری قرار می‌گیرند. ساخت ژئواکونومیک سرمایه‌داری توسط کنشگر کانونی شبکه مرکزی در سیستم بین‌الملل ایجاد شده است و این ساخت در گستره شبکه ژئواکونومیک اجتماعی سیستم بین‌الملل به‌عنوان یک پویش تأثیرگذار نقش ایفا می‌کند. وابستگی متقابل در ساخت اقتصادی سیستم بین‌الملل موجب ایجاد نوعی وابستگی چرخه‌ای میان تمامی کنشگران دولتی و غیردولتی شده است (کوهن و نای، ۱۹۷۷: ۸).

در این ساخت همکاری‌های اقتصادی فراملیتی در قالب وابستگی متقابل به‌عنوان یک شبکه فراملی و فرامنطقه‌ای در جهت منافع کنشگر کانونی در شبکه مرکزی قرار دارند. بر این اساس می‌توان گفت به لحاظ تئوریک ساخت ژئواکونومیکی سرمایه‌داری ذیل یک شبکه فراگیر بین‌المللی در جهت منافع سیاسی، هویتی و اقتصادی کنشگر کانونی شبکه مرکزی است (گیلپین، ۱۹۷۱: ۴۰۴). در شبکه ژئواکونومیکی سرمایه‌داری چهار نوع از روابط فراملی و جهانی وجود دارد:

۱. ارتباطات؛ جریان اطلاعات و انتقال ایده‌ها، گفت‌وگوها و هنجارها؛
۲. حمل و نقل کالاهای فیزیکی از جمله تسلیحات جنگی و دارایی‌های شخصی؛

۳. مالیه؛ جریان انتقال پول و اعتبار؛

۴. مسافرت (نای و کوهن، ۱۹۷۱: ۳۳۲).

تمامی این روابط باعث افزایش پیچیدگی سیستم بین‌الملل در ابعاد اقتصادی شده است. این روابط در گستره ژئواستراتژیک اجتماعی میان تمامی شبکه‌های تمدنی و هویتی پیرامونی و مرکزی وجود دارد (نای و کوهن، ۱۹۷۱: ۳۳۲).

### ۳-۱. ساخت ژئوکالچری

منظور از ساخت ژئوکالچری شبکه ژئواستراتژیک اجتماعی وجود شبکه‌های هویتی و تمدنی متفاوت در وضعیت پیچیدگی ساختاری است. ساموئل هانتینگتون پس از پایان جنگ سرد نظریه‌ای را با عنوان برخورد تمدن‌ها<sup>۱</sup> ارائه داده است که در این چارچوب وی به برخورد تمدن‌های متفاوت اشاره کرده است. از نظر وی نبردهای ایدئولوژیک پس از جنگ سرد پایان یافته‌اند و سیستم بین‌الملل در آینده با برخورد تمدن‌های روبه‌رو خواهد شد. به اعتقاد هانتینگتون تقابل تمدن‌ها، سیاست غالب جهانی و آخرین مرحله تکامل درگیری‌های عصر جدید را شکل می‌دهد.

۱. اختلاف تمدن‌ها اساسی است؛
۲. خودآگاهی تمدنی در حال افزایش است؛
۳. تجدید حیات مذهبی وسیله‌ای برای پر کردن خلأ هویت در حال رشد است؛
۴. ویژگی‌ها و اختلافات فرهنگی تغییرناپذیرند؛
۵. خطوط گسل موجود میان تمدن‌ها جایگزین مرزهای سیاسی و ایدئولوژیک شده است (هانتینگتون ۱۳۸۱: ۲۲-۲۱).

هر یک از این گفتمان‌ها با بهره‌گیری از مبانی تمدنی و هویتی نوعی چارچوب‌بندی را برای کنشگران به وجود می‌آورد. در واقع هر یک از گفتمان‌های تمدنی و هویتی از مبانی هستی-شناختی و معرفت‌شناختی برخوردارند. در واقع ساخت ژئوکالچری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین ساخت‌های سه‌گانه در شبکه ژئواستراتژیک بین‌المللی محسوب می‌شود. ساخت ژئوکالچری و گفتمان‌های تمدنی و هویتی بر سایر ساخت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی تأثیرگذار است. در این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه هانتینگتون تلاش بر این است که تمدن‌ها را

1. The Clash of Civilizations

در قالب گفتمان‌های تمدنی و هویتی مطرح شوند. در ساخت ژئوکالچری با گفتمان‌های تمدنی و هویتی متفاوتی مواجه هستیم.

هانتینگتون تمدن‌های زنده جهان را به هفت و یا هشت تمدن بزرگ تقسیم می‌کند که شامل تمدن‌های غربی، کنفوسیوسی، ژاپنی، اسلامی، هندو، اسلاو، ارتدکس، آمریکای لاتین و تمدن‌های حاشیه‌ای آفریقایی می‌شوند (هانتینگتون ۱۳۸۱: ۲۲). وی معتقد است زمانی که از تمدن سخن گفته می‌شود منظور نوعی موجودیت و عنصر فرهنگی است. تمامی اشکال گروهی انسانی نظیر مناطق، ملیت‌ها، گروه‌های مذهبی و حتی دهکده‌ها همه دارای فرهنگ‌های مجزا و ناهمگون هستند؛ اما این ناهمگونی‌های فرهنگی ممکن است در سطوح جزئی باشد و در نهایت بخش وسیعی از این خرده‌فرهنگ‌ها در داخل یک گستره تمدنی متفاوت و خاص از دیگر تمدن‌ها جای بگیرند. براین اساس از نظر هانتینگتون غربی‌ها با وجود دارا بودن خرده‌فرهنگ‌های داخل به صورت منسجم در تمدن غربی قرار دارند و همین عامل باعث می‌شود از تمدن کنفوسیوسی و چینی تفکیک شوند؛ بنابراین تمدن از نظر هانتینگتون بالاترین گروه‌بندی هویتی برای افراد انسانی محسوب می‌شود که از طریق عناصر و مؤلفه‌های هویت بخش عینی نظیر زبان، تاریخ، دین، آداب و رسوم و نهادها قابل شناسایی هستند. دلایل برخورد میان تمدن‌ها شامل موارد ذیل می‌شود:

۱. تفاوت‌ها میان تمدن‌ها نه تنها واقعی هستند بلکه این تفاوت‌ها بنیادین هستند. این تفاوت‌ها شامل جهان‌بینی‌های متفاوت در درون هر تمدن می‌شود؛
۲. افزایش تعاملات اجتماعی میان تمدن‌های مختلف باعث می‌شود سطح آگاهی تمدن‌ها از یکدیگر بالا برود و بیشتر به تفاوت‌های یکدیگر توجه کنند و این افتراق‌ها برجسته شود؛
۳. فرایندهای ژئواکونومیکی و نوسازی سیاسی باعث ایجاد تغییرات اجتماعی در جهان شده است و منجر به جداسازی مردم از هویت‌های دیرینه محلی‌شان شده است. این جنبش‌ها همچنین باعث تضعیف ملت-دولت به عنوان یک مؤلفه هویت بخش شده است؛ بنابراین در بیشتر نقاط جهان، ادیان و گفتمان‌های دینی این شکاف‌های هویتی را پر می‌کنند؛
۴. رشد آگاهی تمدنی توسط نقش دوگانه غرب افزایش یافته است. از یک سو غرب در اوج قدرت است و به صورت هم‌زمان سایر تمدن‌های غیرغربی در حال بازنگری و توجه به ریشه‌های تمدنی خودشان هستند تا بتوانند در مقابل غرب هویتشان را حفظ و تقویت کنند؛

۵. ویژگی‌های فرهنگی کمتر قابل تغییر هستند، از این نظر کمتر در آستانه خطر و نابودی قرار می‌گیرند؛

۶. منطقه‌گرایی اقتصادی در حال افزایش است (هانتینگتون، ۲۰۱۷: ۲۷-۲۵).

## ۲- ساختار عمودی و زیربنایی نظم بین‌المللی: شبکه‌های تمدنی و الگوهای حکمرانی

در وضعیت پیچیدگی ساختاری به دلیل گستردگی سطح تعاملات اجتماعی میان کنشگران در گفتمان‌های تمدنی متفاوت، شبکه‌هایی با عنوان شبکه‌های تمدنی و هویتی به‌عنوان زیربنا و ساختار عمودی نظم بین‌المللی شکل گرفته‌اند. این شبکه‌ها با توجه به دامنه قدرتشان به شبکه‌های پیرامونی و شبکه مرکزی قابل تقسیم هستند. شبکه‌های تمدنی و هویتی شامل موارد ذیل می‌شوند:

۱. شبکه تمدنی و هویتی ارتدوکسی روسیه<sup>۱</sup> (شبکه پیرامونی)؛

۲. شبکه تمدنی و هویتی کنفوسیوسی چین<sup>۲</sup> (شبکه پیرامونی)؛

۳. شبکه تمدنی و هویتی غرب با محوریت آمریکا<sup>۳</sup> (شبکه مرکزی)؛

۴. شبکه تمدنی اسلام با محوریت جمهوری اسلامی ایران (شبکه مستقل).

شبکه‌های تمدنی و هویتی در سیستم بین‌الملل شامل کنشگران دولتی و غیردولتی می‌شود. منظور از شبکه وجود چگالی بالا در تعاملات و روابط اجتماعی میان کنشگران در یک حوزه تمدنی و هویتی خاص است. هر شبکه تمدنی و هویتی دارای یک کنشگر دولتی کانونی است و همچنین شامل مجموعه‌ای از کنشگران غیردولتی و سازمانی نیز می‌شوند. علاوه بر این هر شبکه هویتی و تمدنی دارای گفتمان و ایدئولوژی برآمده از ویژگی‌های تمدنی خاص خود در ابعاد مختلف است. براین اساس می‌توان گفت هویت‌های برآمده در این شبکه‌های تمدنی متفاوت از یکدیگر هستند (هانتینگتون، ۱۹۹۷: ۲۰). یکی از دلایل اصلی تقسیم‌بندی چهارگانه در میان شبکه‌های تمدنی و هویتی در این پژوهش این است که تمدن‌های ژاپنی، هندو، اسلاو و آفریقایی در بسیاری از حوزه‌های سیاسی، هویتی و اقتصادی در شبکه مرکزی غرب به رهبری آمریکا جذب

1. Russian Orthodox Civilization and Identity Network  
2. Chinese Confucian Civilization and Identity Network  
3. United States Civilization and Identity Network

شده‌اند و همچنین می‌توان به شبکه کلان تمدنی و هویتی اسلامی با محوریت جمهوری اسلامی ایران به شکل مستقل نیز اشاره کرد که این شبکه تمدنی و هویتی با وجود تأثیرگذاری قابل توجه در معادلات بین‌المللی در این پژوهش به صورت مفصل به آن پرداخته نخواهد شد.

### ۳- نسبت سنجی الگوهای حکمرانی و هویت

با توجه به اینکه هویت به عنوان یکی از عناصر مهم در سیاست بین‌الملل معاصر محسوب می‌شود، در این پژوهش می‌بایست به نسبت سنجی این عنصر مهم با متغیر الگوهای حکمرانی اشاره شود. با توجه به مبانی نظری پژوهش می‌توان گفت که در حال حاضر تمدن به عنوان یکی از مؤلفه‌های هویت بخش ملت- دولت در سیاست بین‌الملل محسوب می‌شود. هر یک از تمدن‌های زنده در جهان نقش مهمی در هویت بخشی به ملت- دولت‌ها ایفا می‌کند. برای مثال می‌توان به جایگاه تمدن اسلامی تحت رهبری جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ خورشیدی اشاره کرد. گفتمان انقلاب اسلامی ایران تحت تأثیر تمدن اسلامی توانست هویت مستقلی در سیاست بین‌الملل به وجود آورد و به تبع آن شاهد شکل‌گیری نوعی الگوی حکمرانی در شکل نظام سیاسی اسلامی تحت رهبری بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران هستیم؛ بنابراین می‌توان گفت در سیاست بین‌الملل معاصر شبکه‌های تمدنی و هویتی به همراه مؤلفه‌های هویت بخش خود می‌توانند دو کارکرد بسیار مهم داشته باشند:

۱. هویت بخشی اولیه در شکل ملت و یا امت؛
  ۲. ایجاد نوعی الگو و بدیل مناسب برای حکمرانی در سیاست بین‌الملل معاصر.
- براین اساس، می‌توان الگوهای حکمرانی را این گونه تعریف کرد که نوعی سبک و بدیل حکمرانی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که برآمد و ناشی از یک نوع گفتمان تمدنی هویت بخش محسوب می‌شوند؛ بنابراین الگوهای حکمرانی اشکال سیاسی شده مؤلفه‌های هویت بخش کنشگران تمدنی (دولتی و غیردولتی) هستند که به دنبال بازتولید هویت برآمده از گفتمان‌های تمدنی در سیستم بین‌الملل هستند. حال با توجه به اینکه امور هویتی و نرم‌افزاری در علوم اجتماعی و روابط بین‌الملل به سادگی کمیت پذیر و شاخص پذیر نیستند در اینجا تلاش می‌شود که به سه شاخص الگوهای حکمرانی در سیاست بین‌الملل معاصر اشاره شود.



جدول شماره ۱. شاخص‌های الگوی حکمرانی

شاخص‌های الگوی حکمرانی	متغیر
۱- پیگیری اهداف تمدنی و هویتی در سیاست خارجی و داخلی (تدوین قوانین و اخذ سیاست‌ها در چین، روسیه و جمهوری اسلامی ایران برای تقویت ارزش‌ها و بدیل‌های خود در مقابل غرب)	الگوی حکمرانی در قالب نظام سیاسی
۲- انفکاک هویت خود از دیگری در اسناد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی (مانند گفتمان اقتصاد مقاومتی) یک نظام سیاسی (تلاش روسیه، چین و جمهوری اسلامی ایران برای تفکیک هویت خود از نظام‌های سیاسی غرب)	
۳- جهت‌گیری‌های رسمی یک نظام سیاسی و سبک حکمرانی در حمایت و مخالفت‌ها از ارزش‌ها و هنجارها در سیاست بین‌الملل (برای مثال مخالفت با ارزش‌های غربی از سوی نظام جمهوری اسلامی ایران و چین و روسیه - تلاش غرب برای وارد کردن گفتمان حقوق بشر غربی در قواعد حقوق بین‌الملل)	

## یافته‌های تحقیق

### ۱- الگوهای حکمرانی، گسل‌های ژئوپلیتیک و مناطق

محور راهبرد امنیت ملی آمریکا<sup>۱</sup> و راهبرد دفاع ملی<sup>۲</sup> در سال ۲۰۱۸ مفهوم رقابت راهبردی است؛ این مفهوم در راهبرد امنیت ملی به‌عنوان دوره جدیدی از رقابت‌های فزاینده سیاسی، اقتصادی و نظامی بین دولتی تعریف شده است. در راهبرد امنیت ملی و راهبرد دفاع ملی تهدیدهایی مانند تروریسم را اولویت‌بندی شده است و برخلاف اسناد قبلی رقابت راهبردی با چین و روسیه را به‌عنوان کانون مناسب سیاست امنیتی آمریکا مورد توجه ویژه قرار داده است. این اولویت‌بندی مجدد بر اساس تمایل چین و روسیه برای صدور مدل‌های اقتدارگرایانه خود در سیستم بین‌الملل است (کاخ سفید، ۲۰۱۷: ۲). مطابق ارزیابی کاخ سفید در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ میلادی تلاش این دو قدرت بزرگ به چالش کشیدن نظم بین‌المللی تحت رهبری آمریکا است؛

1. NSS  
2. NDS

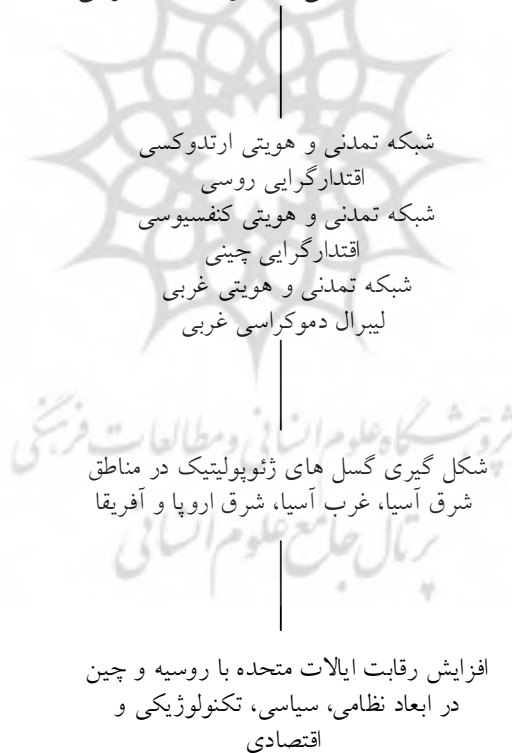
بنابراین، جدیدترین اسناد راهبرد امنیت ملی و راهبرد دفاع ملی نشان‌دهنده تغییر پارادایم از درگیری‌های کم‌شدت علیه کنشگران غیردولتی است که آمریکا از سال ۲۰۰۱ با آن‌ها می‌جنگید، به سمت رقابت قدرت‌های بزرگ با روسیه و چین است - رقابتی که در زمان صلح میان قدرت‌های بزرگ برقرار است و این امر بیانگر آن است که سیستم بین‌الملل دیگر تک‌قطبی نیست. آمریکا در ابعاد و حوزه‌های متعددی با چین و روسیه در مناطق غرب آسیا، شرق آسیا، شرق اروپا و آفریقا در حال رقابت است. ابعاد و حوزه‌هایی مانند اقتصاد، دیپلماسی، امور نظامی و تسلیحاتی این سه قدرت بزرگ را در مناطق سیستم بین‌الملل درگیر کرده است (کاخ سفید، ۲۰۱۷: ۲-۳).

برای شفافیت بحث باید به این نکته اشاره کرد که نظم بین‌المللی تحت تأثیر متغیر الگوهای حکمرانی (لیبرال دموکراسی غربی و اقتدارگرایانه روسی و چینی) است. البته ذکر این نکته ضروری است مفاهیم اقتدارگرایی و دموکراسی در این پژوهش دارای بار ارزشی نیستند و صرفاً برای بازشناسی و درک آسان از این مفاهیم شناخته‌شده در ادبیات روابط بین‌الملل بهره گرفته شده است. برای مثال می‌توان گفت که تلاش آمریکا برای مداخله و تحمیل الگوی لیبرال دموکراسی غربی (شکست این الگو در عراق) و همچنین گفتمان حقوق بشر غربی در الگوهای حکمرانی چین و روسیه و سایر نقاط جهان یکی از این موارد محسوب می‌شود. بر اساس گزارش سالانه تحولات دموکراسی<sup>۱</sup> (بر اساس شاخص‌های لیبرال دموکراسی غربی) در سال ۲۰۲۲، در سال ۲۰۲۱، جهان پایین‌ترین سطح دموکراسی را در سی سال گذشته تجربه کرد. در واقع، جهان از سال ۱۹۷۸ به این تعداد کشورهای دموکراتیزاسیون را ثبت نکرده است که با تنها پانزده کشور در حال گذار به دموکراسی در سال گذشته، فقط ۳ درصد از جمعیت جهان را شامل می‌شوند. علاوه بر این، الگوی حکمرانی اقتدارگرایانه به انطباق و تکامل خود ادامه می‌دهد که با استفاده فزاینده از قطبی‌سازی به‌عنوان یک استراتژی سیاسی، افزایش مداوم اطلاعات نادرست و افزایش کودتاهای نظامی مشخص می‌شود (بوس و همکاران، ۲۰۲۲: ۵). آمریکا به‌عنوان رهبر جهان لیبرال دموکراسی غربی همواره نگران تغییر روند الگوهای حکمرانی در سیستم بین‌الملل بوده است. بر این مبنای می‌توان گفت خیزش چین و روسیه در مناطق سیستم بین‌الملل نشان‌دهنده مطرح شدن

۱. منظور از مفهوم دموکراسی در این پژوهش صرفاً لیبرال دموکراسی غربی است و سایر اشکال دموکراسی‌ها مانند مردم-سالاری دینی و یا سایر الگوها در سایر نقاط جهان را شامل نمی‌شود.

الگوهای حکمرانی در سطح جهان است. امروزه مناطق تابعه سیستم بین‌الملل تحت تأثیر متغیر مهم الگوهای حکمرانی دچار گسل‌های ژئوپلیتیکی و در نتیجه آن افزایش رقابت آمریکا با چین و روسیه شده است. نگارنده در این پژوهش بر گسل‌های ژئوپلیتیک ناشی از تضاد میان الگوهای حکمرانی در مناطق ژئوپلیتیک سیستم بین‌الملل توجه دارد. با توجه به اینکه شبکه‌های تمدنی و هویتی زیربنای نظم بین‌المللی را تشکیل می‌دهند و هر یک از این شبکه‌های تمدنی الگوی حکمرانی سیاسی خود را برای بازتولید مؤلفه‌های ارزشی و هویتی‌اش ایجاد کرده است؛ بنابراین می‌توان گفت رقابت‌های آمریکا، روسیه و چین در گسل‌های ژئوپلیتیکی سیستم بین‌الملل، ناشی از الگوهای حکمرانی در قالب نظام‌های سیاسی برآمده از گفتمان‌های تمدنی است.

#### شبکه‌های تمدنی و الگوهای حکمرانی



شکل ۴. الگوهای حکمرانی، گسل‌های ژئوپلیتیک و رقابت منطقه‌ای

## ۲- الگوهای حکمرانی و گسل‌های ژئوپلیتیک در غرب آسیا و شمال آفریقا

منطقه غرب آسیا به‌عنوان یکی از مناطق مهم سیستم بین‌الملل محسوب می‌شود. بخش مهمی از انرژی آزاد شده گسل‌های ژئوپلیتیک در منطقه غرب آسیا پس از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی حاصل شد. آمریکا در این حمله الگوی حکمرانی لیبرال دموکراسی مدنظر خود را در گستره سیستم بین‌الملل ترویج کرد. پس از این رخداد در سیاست بین‌الملل گسل‌های ژئوپلیتیکی مربوط به الگوهای حکمرانی میان قدرت‌های بزرگ چین، روسیه و آمریکا در گستره شبکه ژئواستراتژیک بسیاری از مناطق را درگیر کرده است.

در قرن نوزدهم رقابت بر سر منابع نفتی و دسترسی به راه‌های ارتباطی برای تجارت از جمله پویش‌های رقابت میان قدرت‌های بزرگ بوده است. در دوره جنگ سرد نیز رقابت‌های ایدئولوژیکی میان اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا از جمله پویش‌های مؤثر در این منطقه بوده است. امروزه پویش اصلی رقابت‌ها در گسل‌های ژئوپلیتیک منطقه غرب آسیا، تلاش برای گسترش نفوذ الگوهای حکمرانی در میان دولت‌های منطقه غرب آسیا، تلاش برای روسیه برای موفقیت در گسترش نفوذ الگوهای حکمرانی هر دو روابط اقتصادی، نظامی و سیاسی خود با منطقه و تعامل دیپلماتیک دوجانبه و چندجانبه خود را افزایش داده‌اند. مسکو نیز به‌نوبه خود، در پی نارضایتی برخی از کشورهای منطقه از عمق تعهدات آمریکا، تلاش کرده است تا خود را به‌عنوان یک تأمین‌کننده سلاح جایگزین و احتمالاً یک شریک امنیتی کامل قرار دهد. چین از ابتکار کمربند و جاده<sup>۱</sup> خود برای تمرکز بر ایجاد مشارکت‌های اقتصادی، عمدتاً در زیرساخت‌ها و فناوری ارتباطات، استفاده کرده است. این روابط اقتصادی به چین مقدار کمی از نفوذ سیاسی در منطقه (به‌ویژه در کشورهای فقیرتر) داده است و ادامه حضور پکن را تضمین کرده است و دسترسی به نفت از جمله منافع اقتصادی چین در منطقه است (واسر و همکاران، ۲۰۲۲: ۳).

1. BRI

چین در تلاش‌های خود برای ترویج سیاست عدم‌مداخله در امور داخلی کشورهای منطقه غرب آسیا ثابت قدم بوده است. چین برای حمایت از ایده خود مبنی بر عدم‌مداخله در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا به حدی پیش رفته است که به شدت با مداخله آمریکا در منطقه و تلاش‌های این کشور برای ترویج دموکراسی در منطقه مخالف است. مخالفت چین با ترویج دموکراسی آمریکا در برخی از کشورهای منطقه تا حدی می‌تواند با تهدیدی که برای اقتدار حزب کمونیست چین در چین ایجاد می‌کند، تعریف شود. حزب کمونیست چین می‌داند که تعداد فزاینده‌ای از نظام‌های سیاسی دموکراتیک می‌توانند اثر دومینویی ایجاد کنند و جمعیت چین ممکن است بخواهند به دنبال دموکراسی در چین باشند؛ بنابراین، حزب کمونیست چین برای اطمینان از تسلط بر قدرت و خنثی کردن تلاش‌های آمریکا برای ارتقای دموکراسی در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، سیاست «صلح توسعه‌ای»<sup>۱</sup> را در قبال منطقه اتخاذ کرده است که در تضاد با مفهوم غربی صلح دموکراتیک است. ایده اساسی صلح توسعه‌ای این است که علت اصلی بی‌ثباتی منطقه‌ای نبود دموکراسی نیست بلکه رکود اقتصادی، بیکاری بالا، زیرساخت‌های ضعیف، رشد سریع جمعیت و فرار مغزها است. در نهایت می‌توان ادعا کرد که چین با حمایت از اصل عدم‌مداخله و اتخاذ سیاست‌هایی مانند صلح توسعه‌ای، وضعیت موجود در منطقه را برای اهداف داخلی خود ارتقا می‌دهد (کان، ۲۰۲۱: ۳).

حضور نظامی و امنیتی چین در گسل‌های ژئوپلیتیکی منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا به‌طور فزاینده‌ای در حال رقابت با آمریکا است. هرچند تعامل امنیتی چین در منطقه در حال حاضر و در آینده نزدیک محدود خواهد بود و به نظر می‌رسد که هدفش توسعه مقدم بر امنیت در ارتقای ثبات است؛ اما به نظر می‌رسد که دفاع از منافع، سرمایه‌گذاری و نیروی کار چینی (سرمایه انسانی) دیر یا زود، گسترش بیشتر تعامل امنیتی و نظامی چین را ضروری می‌کند. توسعه قابلیت‌های نظامی چین (نیروی دریایی آب‌آبی، هواپیماهای تاکتیکی نسل پنجم، هواپیماهای برد بالا) نشان می‌دهد که چنین سناریویی در میان‌مدت تا بلندمدت قابل رد نیست و اولین پایگاه نظامی چین در منطقه، در جیبوتی است. اگرچه چین در حال حاضر دومین تولیدکننده بزرگ تسلیحات و پنجمین صادرکننده بزرگ در سطح جهان است، اما سهم این کشور در تجارت تسلیحات به غرب آسیا و

1. developmental peace

شمال آفریقا نسبتاً محدود است زیرا بخش عمده‌ای از صادرات تسلیحات این کشور (۸۲ درصد) به آسیا هدایت می‌شود (روز، ۲۰۲۱: ۲).

رویکرد چین برای توسعه روابط دوجانبه قوی‌تر با دولت‌های منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا به طور قابل توجهی با آمریکا متفاوت است. چین یک سیاست طولانی‌مدت مبتنی بر عدم اتحاد را با دولت‌های منطقه دنبال می‌کند و این دولت سلسله‌مراتبی از برنامه‌های مشارکتی را با دولت‌های منطقه اتخاذ کرده است. برخی از این برنامه‌ها به صورت برنامه مشارکت راهبردی جامع<sup>۱</sup> محسوب می‌شوند. دولت‌هایی که دارای برنامه مشارکت راهبردی جامع با چین هستند، به وضوح به عنوان مهم‌ترین کشورها برای پکن در امور منطقه‌ای تلقی می‌شوند و در این سطح به عنوان دولت‌هایی در نظر گرفته می‌شوند که اهدافی فراتر از اهداف اقتصادی و سیاسی در نظر گرفته خواهد شد. برای مثال، کنترل مصر بر کانال سوئز و همچنین اهمیت عربستان سعودی در جهان اسلام به این دولت‌ها ارزش افزوده می‌بخشد. پنج دولتی که در این سطح از مشارکت با چین هستند، شامل الجزایر، مصر، ایران، عربستان و امارات متحده عربی می‌شوند (سیم و فالتون، ۲۰۲۲: ۴)؛ بنابراین با توجه به این ارزیابی‌ها می‌توان گفت گسل‌های ژئوپلیتیک در منطقه غرب آسیا ناشی از تضاد میان الگوهای حکمرانی میان آمریکا و چین در بخش‌هایی از منطقه غرب آسیا (شامل کشورهای ایران، عربستان و دولت‌های عربی حاشیه خلیج فارس) و بخش‌های از شمال آفریقا قرار دارند. در حال حاضر توافق هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از متغیرهای تأثیرپذیر از این گسل ژئوپلیتیک میان آمریکا و چین محسوب می‌شود. افزایش رقابت‌ها میان آمریکا و چین در این منطقه می‌تواند نویدبخش بسیاری از تحولات ژئوپلیتیکی در آینده باشد.

روسیه به عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ در منطقه، نه تنها به عنوان یکی از کنشگران مهم در منطقه غرب آسیا تلقی می‌شود، بلکه به عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ مدعی الگوی حکمرانی اقتدارگرایی دارای منافع و دیپلماسی در این منطقه است. مداخلات روسیه در غرب آسیا از سال ۲۰۱۱ میلادی آغاز شد و این دولت تلاش کرد نقش خود را برای تأمین منافع و اشاعه الگوی حکمرانی‌اش در غرب آسیا برای مقابله با غرب و آمریکا ایفا کند. رقابت‌های روسیه با آمریکا و

1. CSP

غرب، باعث شکل‌گیری گسل‌های ژئوپلیتیکی در کشورهایمانند سوریه، لیبی به‌صورت مستقیم و سایر کشورهای عربی به‌صورت غیرمستقیم شده است (الفاس، ۲۰۱۸: ۱۱۴-۱۱۳). از سال ۲۰۱۳، روسیه مشارکت بخش امنیتی خود را در غرب آسیا تشدید کرده است. مداخله نظامی مسکو در سوریه از سال ۲۰۱۵ به بعد برجسته‌ترین عنصر است. به موازات آن، دولت‌های متوالی آمریکا پاسخ به رقابت استراتژیک روسیه و چین را به‌عنوان یک هدف منطقه‌ای آمریکا ارتقاء داده‌اند. به نظر می‌رسد که تعامل فزاینده روسیه محصول تلاش مستمر مقامات روسیه به رهبری رئیس‌جمهور ولادیمیر پوتین برای احیای الگوی حکمرانی روسیه در مناطق باشد (سرویس تحقیقات کنگره، ۲۰۲۲: ۱). اندیشکده مطالعات آسیا و قفقاز درباره انگیزه ژئوپلیتیکی روسیه در سوریه معتقد است که اقدام روسیه برای افزایش نفوذ و موقعیت خود در سوریه و استفاده از نیروی نظامی در بحران به‌منظور حمایت از رژیم اسد است. افزایش نظام‌های سیاسی دموکراتیک پس از بهار عربی از جمله تهدیدات مربوط به الگوی حکمرانی روسیه در سطح مناطق سیستم بین‌الملل محسوب می‌شود (دهشیار و امین‌آبادی، ۱۴۰۱: ۲۰۳-۲۰۲).

برای مثال مداخله روسیه در لیبی نمادی از فعالیت مجدد این کشور در غرب آسیا به شکل نظامی آن است. مداخله و فروش تسلیحات، میانجیگری دیپلماتیک، تلاش برای انرژی، پروژه‌های زیربنایی و استفاده از ابزارهای قدرت نرم مانند تبلیغات و رسانه‌ها مصداق‌هایی از این اقدامات است. روسیه برای گسترش نفوذ و الگوی اقتدارطلبانه خود در منطقه غرب آسیا تلاش می‌کند راهبردی کم‌هزینه و کم‌تعهد را در مقابل آمریکا اتخاذ کند. بدون شک این راهبرد کم‌هزینه و بدون تعهد برای روسیه منفعی داشته است. برای مثال در رابطه با سوریه در سال ۲۰۱۵ در خلال جنگ داخلی، نظام سیاسی اقتدارگرای بشار اسد توسط روسیه حفظ شد. به‌طور مشابه، در لبنان و غزه، روسیه به‌عنوان میانجی بین جناح‌های مخالف مورد توجه قرار گرفته است و بر توانایی خود برای تعامل با گروه‌هایی مانند حزب الله و حماس که در تقابل با منافع آمریکا هستند، تأکید می‌کند. علاوه بر این روسیه تلاش کرده است که الجزایر و مصر را در زمره پنج مشتری اصلی تسلیحات خود در سراسر جهان قرار دهد. بسیاری از شرکای امنیتی آمریکا در خلیج فارس مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی با روسیه در مورد نفت هماهنگ هستند و در مواردی مانند قراردادهای تسلیحاتی و پرونده‌های سیاست خارجی مانند لیبی هماهنگ شدند. عربستان سعودی و

امارات متحده عربی هر دو از خلیفه حفتر که مورد حمایت روسیه است، حمایت سیاسی و نظامی می‌کنند (وری، ۲۰۲۲: ۲).

### ۳- الگوهای حکمرانی و گسل‌های ژئوپلیتیک در شرق آسیا

شبکه تمدنی چین در منطقه شرق آسیا شامل کره، ویتنام، هنگ کنگ، تایوان، اندونزی، تایلند، مالزی و بسیاری از کشورهای جنوب شرق آسیا می‌شود. دولت چین در حال حاضر خود را به عنوان کنشگر مرکزی در این شبکه تمدنی می‌داند و معتقد است که تمامی خرده فرهنگ‌های این تمدن در خارج از مرزهای چین می‌بایست خودشان را بر اساس ارزش‌های تمدنی سینیک و کنفوسیوسی هدایت کنند. دولت چین خود را به عنوان نماینده جهانی این تمدن معرفی می‌کند و حتی گروه‌ها و خرده فرهنگ‌های سایر دولت‌های مربوط به این تمدن بخشی از جامعه چین معرفی می‌شوند (هانتینگتون، ۱۹۹۷: ۱۷۵-۸۹). کنفوسیوس به عنوان یک چارچوب اخلاقی و ایدئولوژیک نوعی جهان بینی را ارائه می‌دهد که به ایجاد یک گفتمان سیاسی در گستره روابط بین الملل می‌انجامد. گفتمان تمدنی چین نیز بر اساس سه مؤلفه ذیل چارچوب بندی می‌شود:

۱. تعالیم دینی و اخلاقی کنفوسیوس؛

۲. اقتدارگرایی سیاسی (پیشینه تمدنی امپراتوری چین)؛

۳. نژاد چینی.

دولت چین در قالب ایدئولوژی‌های کمونیستی و مائوئیستی در دوره جنگ سرد سعی در تقابل با گفتمان تمدنی غرب داشت و از سوی دیگر خود را از اتحاد جماهیر شوروی نیز متمایز می‌دانست؛ بنابراین می‌توان گفت اساس این تضادهای ایدئولوژیکی در دوره جنگ سرد ناشی از ریشه‌های تمدنی کهن بوده است (چن، ۲۰۱۷: ۵۰-۲۵).

منطقه شرق آسیا به عنوان یکی از مناطق مهم ژئواکونومیکی و دارای رشد اقتصادی چشمگیر و نوآوری‌های تکنولوژیکی محسوب می‌شود. با این وجود این منطقه از گسل‌های ژئوپلیتیکی قابل توجهی برخوردار است. این گسل‌های ژئوپلیتیکی ناشی از کارکرد پویای مربوط به الگوهای حکمرانی میان آمریکا و چین است. در سال‌های اخیر، گفتمان دموکراسی و حقوق بشر غربی در شرق آسیا مانند سایر نقاط جهان، دچار شکست‌های جدی شده است. فروکش کردن



جنبش دموکراسی خواه در هنگ کنگ و همچنین تهدیدات چین علیه سیستم حکومتی موردنظر غرب و آمریکا در تایوان نمونه‌هایی از این شکست‌ها محسوب می‌شود (چنگ و همکاران، ۲۰۲۲: ۱۳). علاوه بر این آمریکا برای مقابله با الگوی حکمرانی چین و جلوگیری از نفوذ آن تلاش کرده است مجموعه‌ای از چالش‌های ژئوپلیتیکی را برای این دولت در مناطق سیستم بین‌الملل ایجاد کند. چالش نخست جنگ اوکراین و حمایت آمریکا و غرب از اوکراین در منطقه شرق آسیا است. پیشروی ناتو و آمریکا در شرق اروپا می‌تواند از گسترش اقتدارگرایی چینی جلوگیری کند. چالش دوم حمایت آمریکا از هند به دلیل اختلافات مرزی با چین است. میزان نزدیکی هند به عنوان یکی از دموکراسی‌های بزرگ در جهان به آمریکا نقش بسیار مؤثری در چالشگری علیه چین ایفا می‌کند. چالش سوم اختلاف‌های دریایی چین با متحدان آمریکا در منطقه شرق آسیا است. یکی دیگر از چالش‌های مهم خروج آمریکا از افغانستان و پایان امنیت مجانی است. این خروج منطقه را دچار ناامنی شدید کرد و چالش‌های فراوانی برای سرمایه‌گذاری اقتصادی و شاهراه‌های اقتصادی ایجاد کرد (نورعلی و احمدی، ۲۰۲۲: ۲۰-۱۷).

آمریکا با ترویج الگوی حکمرانی لیبرال دموکراسی در بسیاری از کشورهای شرق آسیا مانند ژاپن، کره جنوبی، تایوان، فیلیپین، مالزی، سنگاپور، اندونزی، نیوزیلند، سریلانکا و استرالیا توانسته است چین را در این منطقه محصور کند. بسیاری از این کشورها مانند نیوزیلند، ژاپن، تایوان، استرالیا و کره جنوبی به‌عنوان کشورهای دموکراتیک کامل محسوب می‌شوند. با این حال، برخی از کشورهای غیر دموکراتیک در جهان نیز در این منطقه قرار دارد. رژیم‌های اقتدارگرایی مانند لائوس، چین کامبوج، ویتنام، کره شمالی و میانمار از جمله این کشورهای غیر دموکراتیک محسوب می‌شوند. بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند که سیستم حکومتی چین منحصربه‌فرد است و نمی‌توان آن را به‌عنوان یک «الگو» توصیف کرد. دولت چین و نظام سیاسی تک‌حزبی و کمونیستی آن قابل تکرار نیستند، زیرا طی قرن‌ها در شرایط خاص تاریخی، اجتماعی و فرهنگی تکامل یافته‌اند؛ اما اگر این دیدگاه را بپذیریم باید به این نتیجه برسیم که اگر چین قادر نباشد الگوی حکمرانی خاص خود را به سایر کشورها وارد کند اما تلاش خواهد کرد نوعی از الگوی حکمرانی اقتدارگرایی را در کشورهای شرق آسیا ایجاد کند تا از روند دومینویی دموکراسی سازی در شرق آسیا جلوگیری کند (اکونومیست، ۲۰۲۱: ۴۰).

چین از گفتمان تمدنی و هویتی کنفوسیوسی به‌عنوان یک ابزار اساسی در مدیریت افکار داخلی و خارجی خود می‌دهد. رهبران بارها بر «حق/قدرت گفتمانی» چین تأکید می‌کنند و بر سه هدف متمرکز است:

۱. ترویج گفتمان در خارج از مرزها؛
۲. تلاش فزاینده برای افزایش نفوذ دولت چین، توسعه تبلیغات و رای مرزهای جمهوری خلق چین؛
۳. تلاش دولت چین برای ایجاد نوعی سیستم گفتمانی هویت‌بخش به‌منظور ایجاد مفاهیم و روایت‌های جدید (چنگ و همکاران، ۲۰۲۲: ۶۵).

با توجه به این می‌توان گفت الگوهای حکمرانی به‌عنوان مهم‌ترین پویا در ایجاد گسل‌های ژئوپلیتیک در منطقه شرق آسیا است. مطابق با این پویا بسیاری از صف‌بندی‌های سیاسی، امنیتی و نظامی شکل می‌گیرند. بسیار از دولت‌های دموکراتیک مانند ژاپن، کره جنوبی، فیلیپین، تایوان، سنگاپور و اندونزی دارای روابط سیاسی و امنیتی با آمریکا در مقابل چین هستند (سرویس تحقیقاتی کنگره، ۲۰۲۲: ۲).

گسل ژئوپلیتیکی در منطقه شرق آسیا از این امر ناشی می‌شود که هم تایوان و هم ژاپن نگرانی فزاینده‌ای در مورد نفوذ رو به گسترش چین و تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای به نفع پکن دارند. این نگرانی‌ها باعث شکل‌گیری اختلافاتی در منطقه شرق آسیا شده است و منافع این دو دولت تحت‌الشعاع منافع ژئوپلیتیکی همگرا قرار گرفته است. هرگونه حمله نظامی چین به تایوان تهدیدی مستقیم برای تمامیت ارضی ژاپن خواهد بود و می‌تواند گسل‌های ژئوپلیتیکی را فعال کند. این نگرانی‌ها در مورد رویارویی با چین بر سر تایوان به‌خوبی توضیح می‌دهد که چرا توکیو و تایپه بیش از گذشته به هم نزدیک‌تر شده‌اند. به این معنا که گسل‌های ژئوپلیتیک در شرق آسیا بسیاری از پویا‌های ژئواکونومیکی را هم تحت تأثیر قرار داده است. دولت‌های ژاپن و تایوان علاقه فزاینده‌ای به گسترش همکاری‌های اقتصادی برای منافع متقابل دارند. وضعیت اقتصادی ژاپن، به‌ویژه از زمان شیوع جهانی کووید نامطمئن شده است (چنگ و همکاران، ۲۰۲۲: ۱۴۴-۱۱۵).

از دیدگاه دولت چین حضور نظامی منطقه‌ای آمریکا، اتحادها و مشارکت‌هایی مانند آکوس<sup>۱</sup> و اتحاد چهارگانه<sup>۲</sup> چالش‌های امنیتی مهمی برای اهداف امنیت ملی چین محسوب می‌شوند. با توجه به اینکه چین به یک کنشگر قدرتمند و مدعی الگوی حکمرانی خاص در منطقه خود تبدیل شده است، رهبری آن محاسبه می‌کند که این کشور نمی‌تواند از جانب تهدیدات ناشی از الگوی حکمرانی لیبرال-دموکراسی امن باشد. هم‌اکنون تایوان به‌عنوان نقطه اشتعال بالقوه‌ای در فعال-سازی گسل ژئوپلیتیک در شرق آسیا محسوب می‌شود؛ که چین و آمریکا در آینده به‌احتمال زیاد به شکل نظامی درگیر شوند. علاوه بر این مسئله کره شمالی نیز در گسل ژئوپلیتیک شرق آسیا ناشی از تقابل غیرمستقیم الگوی حکمرانی چین با آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن محسوب می‌شود. برنامه‌های تسلیحاتی کره شمالی همچنان ادامه دارد و پیونگ‌یانگ یک موشک بالستیک قاره‌پیما را در مارس ۲۰۲۲ آزمایش کرد که به توقف چهارساله این آزمایش‌ها پایان داد. در همان زمان، نفوذ پکن در نتیجه وابستگی اقتصادی کره شمالی به چین افزایش یافته است. اگرچه کره شمالی هرگز با خلع سلاح کامل هسته‌ای موافقت نخواهد کرد، اما اگر آمریکا و متحدانش بخواهند سیطره پکن بر پیونگ‌یانگ را به چالش بکشند و بر برنامه‌های موشکی و تسلیحات هسته‌ای کره شمالی کنترل داشته باشند، آن‌ها ممکن است نیاز داشته باشند که مشوق‌های مؤثرتری ارائه کنند، چراکه این مجازات‌ها تاکنون بی‌اثر بوده‌اند (سان، ۲۰۲۲: ۷-۸).

#### ۴- الگوهای حکمرانی و گسل‌های ژئوپلیتیک در شرق اروپا

در حال حاضر روسیه شبکه تمدنی خود را شامل اوکراین، بلاروس، مولداوی، قزاقستان، ارمنستان، بالکان، صربستان، بلغارستان، یونان و بسیاری از جمهوری‌های مسلمان در حوزه آسیای مرکزی می‌داند. روسیه را نمی‌توان به‌راحتی یک ملت-دولت با مرزهای ژئوپلیتیک مشخص دانست. این تمدن همواره در اشکال سیاسی امپراتوری روسیه، اتحاد جماهیر شوروی و روسیه به دنبال بازتعریف هویت خود بر اساس مؤلفه‌های تمدنی بوده است (فرانکلین و ویدیس، ۲۰۰۴: ۳). به‌طور کلی روسیه در حال ایجاد شبکه تمدنی و هویتی ارتدکس با رهبری خود است. این کشور انتظار دارد که تمامی کنشگران و شبکه‌های هویتی از جمله غرب این شبکه را به رسمیت بشناسند.

1. AUKUS  
2. Quad

در حال حاضر روسیه به‌عنوان بازمانده‌ای از اتحاد جماهیر شوروی و امپراتوری‌های گذشته خواهان احیای یک گفتمان بر اساس مؤلفه‌های تمدنی است تا از این طریق هویت خود را در مقابل دیگران تعریف کند (هانتینگتون، ۱۹۹۷: ۱۷۱). گفتمان تمدنی روسیه بر اساس مؤلفه‌های ذیل چارچوب‌بندی شده است:

۱. نژاد روس؛
  ۲. الگوی حکمرانی اقتدارگرایی (پیشینه تمدنی امپراتوری تزاری)؛
  ۳. مسیحیت ارتدکس (زاخروف، ۲۰۱۵: ۲۱-۱۹).
- گفتمان اسلاوگرایی به‌عنوان یکی از اشکال محافظه‌کاری روسی ادعای رسالت ملت روس به‌صورت جدا از ملت‌های غربی بوده است. این اندیشه‌ها بر بنیان مذهب ارتدوکسی روسی و اصول پادشاهی تزاری روسیه برای خود نوعی شبکه تمدنی و هویتی قائل است (کرمی، ۲۰۲۲: ۵۸).

در حال حاضر شاهد فعال شدن گسل ژئوپلیتیک در منطقه شرق اروپا و آغاز جنگ میان روسیه و اوکراین هستیم. با آغاز تهاجم نظامی روسیه علیه اوکراین و فعال شدن گسل ژئوپلیتیکی در این منطقه، می‌توان مدعی شد که پس از پایان این جنگ همچنان شاهد این گسل‌های ژئوپلیتیکی خواهیم بود. منطقه شرق اروپا محل تصادم دو نوع الگوی حکمرانی ناشی از گفتمان‌های تمدنی و هویتی است. مسکو به دنبال گسترش اقتدارگرایی سیاسی برخاسته از پیشینه تاریخی و ارزشی امپراتوری تزاری و ارزش‌های مسیحیت ارتدکس است. در مقابل ناتو و ماهیت ناتو بسیار متفاوت از دوره جنگ سرد شده است. ناتو امروزه به دنبال گسترش ارزش‌های لیبرال دموکراسی در منطقه شرق اروپا است.

## ۵- الگوهای حکمرانی و تداخل گسل‌های ژئوپلیتیکی

سیستم بین‌الملل در حال حاضر تحت تأثیر پویای ناشی از تضاد میان الگوهای حکمرانی میان آمریکا با روسیه و چین است. در این پژوهش تلاش شد گسل‌های ژئوپلیتیک در مناطق سیستم بین‌الملل مورد بررسی قرار بگیرد. نکته قابل توجه این است که ممکن است این گسل‌های ژئوپلیتیک دچار تداخل با یکدیگر شوند و نظم‌های منطقه‌ای تحت تأثیر تحولات یکدیگر قرار

بگیرند. با فعال شدن گسل ژئوپلیتیکی در منطقه شرق اروپا و آغاز جنگ اوکراین بسیاری از پویش‌های منطقه‌ای تحت تأثیر قرار می‌گیرند. تداخل گسل ژئوپلیتیک شرق اروپا می‌تواند پویش‌های منطقه شرق آسیا و غیر آسیا را به‌سوی یک جنگ سوق دهد. از زمان آغاز جنگ اوکراین همکاری‌های راهبردی چین و روسیه آشکارتر از گذشته شده است و این روند اتحادیه اروپا و ناتو را ترغیب کرده است که بر پویش‌های امنیتی منطقه شرق آسیا بیش‌ازپیش تمرکز کند. در حال حاضر روسیه و چین به ترتیب عنوان تهدید مستقیم و رقیب سیستمی توسط ناتو مورد شناسایی قرار گرفته است. جنگ اوکراین می‌تواند موازنه قدرت در منطقه شرق آسیا را متحول کند. این تحولات ممکن است به نفع اتحاد راهبردی روسیه و چین باشد و یا به نفع آمریکا و غرب باشد و همچنین ممکن است بسیاری از منافع بالقوه اروپا در شرق آسیا را تحت تأثیر قرار دهد.

## نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد بسیاری از چالش‌ها و پویش‌های جاری در سیستم بین‌الملل از منظر متغیر الگوهای حکمرانی مورد بررسی قرار بگیرد. از دیدگاه نگارنده الگوهای حکمرانی ناشی از شبکه‌های تمدنی و هویتی نقش بسیار مؤثری در ایجاد گسل‌های ژئوپلیتیکی و رقابت‌های فزاینده سه قدرت بزرگ آمریکا، روسیه و چین ایفا می‌کنند. با توجه به مطالعات همبستگی می‌توان گفت الگوهای حکمرانی مورد نظر قدرت‌های بزرگ در سیاست‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی و تکنولوژیکی آن‌ها تأثیرگذار است. آمریکا در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و تکنولوژیکی با چین و روسیه در حال رقابت است. دغدغه اصلی این پژوهش پاسخ به این پرسش است که چرا آمریکا به‌رغم رقابت‌های اقتصادی، تکنولوژیکی با اتحادیه اروپا، همچنان چین و روسیه را به‌عنوان تهدید اصلی شناسایی می‌کند. مخالفت آمریکا با فناوری نسل پنجم اینترنت چین در قلمرو اتحادیه اروپا بخش مهمی از تمهیدات این دولت برای جلوگیری از نفوذ الگوهای حکمرانی اقتدارگرایی روسی و چین در نهادهای جامعه بین‌الملل محسوب می‌شود.

مناطق سیستم بین‌الملل برخلاف دوره جنگ سرد که تحت تأثیر پویش‌های ایدئولوژیک قرار گرفته بود و سیستم میان دو ابر قدرت تقسیم شده بود. این مناطق از منطقه شرق اروپا و غرب آسیا تا منطقه شرق آسیا از گسل‌های ژئوپلیتیکی برخوردار شده‌اند. این گسل‌های ژئوپلیتیکی ناشی از

رقابت برای الگوهای حکمرانی در سیاست سطح کلان قدرت‌های بزرگ هستند. آمریکا با استفاده از قدرت مولد و نهادی تلاش دارد که گفتمان لیبرال دموکراسی و حقوق بشر را در مناطق تابعه سیستم بین‌الملل گسترش دهد. از سوی دیگر چین و روسیه با بهره‌گیری از سویه‌های قدرت نرم در قالب گفتمان اقتدارگرایی سبک و الگوی حکمرانی اقتدارگرایی را در مقابل نفوذ لیبرال دموکراسی گسترش دهند. در منطقه شرق اروپا جنگ اوکراین پاسخی به این پویش‌ها تلقی می‌شود. روسیه اوکراین و بسیاری از کشورهای شرق اروپا را بخشی از حوزه تمدنی خود می‌داند و نگران گسترش الگوی حکمرانی لیبرال دموکراسی در این کشورها است. در منطقه غرب آسیا نیز این پویش‌ها تحت تأثیر مداخلات سیاسی و نظامی روسیه به منظور حفظ الگوهای حکمرانی اقتدارگرا در سوریه، لیبی و سایر دولت‌هاست. در منطقه شرق آسیا چین در تلاش برای تخریب دموکراسی‌های مورد حمایت آمریکا است. تلاش چین برای مهار جنبش‌های دموکراسی‌خواه در هنگ‌کنگ یکی از این مصادیق محسوب می‌شود. چین تلاش می‌کند با استفاده از قدرت اقتصادی خود بسیاری دولت‌های ضعیف اقتصادی که دارای نظام‌های سیاسی دموکراتیک غربی هستند را تحت تسلط خود قرار دهد و پس از تسلط اقتصادی قادر باشد، الگوی حکمرانی اقتدارگرایی را در این کشورها پیاده‌سازی کند. حمایت‌های چین از اقتدارگرایی موجود در کره شمالی یکی از مصادیق این سیاست کلان محسوب می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

- آسیابان، امید. (۱۴۰۱). پیچیدگی ساختاری و الگوهای نوین جنگ هژمونیک. تهران: انتشارات اندیشکده روابط بین‌الملل.
- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۹۵). گسل‌های ژئواستراتژیک فعال در جهان. فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، ۱۲(۴۴)، ۱-۱۲.
- دلور، علی. (۱۳۸۸). روش‌شناسی کیفی. نشریه راهبرد، ۲(۵۴)، ۳۰۷-۳۲۹.
- دهشیار، حسین و امین‌آبادی، سید محمد. (۱۴۰۱). نقش ژئوپلیتیک در تشدید بحران‌های بین‌المللی (مطالعه موردی: بحران سوریه). فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱۸(۶۵)، ۲۱۵-۱۸۷.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال. (۱۳۹۴). نظریه‌ها و فرانظریه‌ها در روابط بین‌الملل. تهران: نشر مخاطب.
- کرمی، جهانگیر. (۱۴۰۱). راهبرد امنیت لویاتانی: بازتاب محیط ژئوپلیتیک در اندیشه حکمرانی روسی. فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱۸(۶۷)، ۳۱-۶۹.
- هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۸۱). نظریه برخورد تمدن‌ها: هانتینگتون و منتقدانش (ترجمه مجتبی امیری وحید). تهران: انتشارات: اداره نشر وزارت امور خارجه.
- Adler, E. (2019). *World Ordering A Social Theory of Cognitive Evolution*. Cambridge University Press.
- Ahmadi, S. A., Badiee Azondahi, M., & Heidari Mosello, T. (2017). The theoretical Explanation of the nature of the geopolitical Regions in competition of the powers. *Geopolitics Quarterly*, 13(47), 55-78. (in Persian)
- Al-Fawwaz, A. (2018). Russian intervention in the Middle East: Political and Economic Dimensions. *Journal of Studies in Social Sciences*, 17(2), 112-136.
- Badie, B. (2018). *New Perspectives on the International Order: No Longer Alone in This World* Bertrand Badie. algrave Pivot; Softcover reprint of the original 1st ed.
- Boese, V. A., Alizada, N., Lundstedt, M., Morrison, K., Natsika, N., Sato, Y., ... & Lindberg, S. I. (2022). *Democracy Report 2022: Autocratization Changing Nature*. Research Gate, 22(31), 1-57.
- Chen, L. (2017). *The core values of Chinese civilization*. New York, NY: Springer.
- Cheng, J. Y. S., Lodén, T., & Stünkel, L. (2022). *Politics in East Asia Today: Between Democracy, Debates*. Accessible from: <https://isdpeu/publication/politics-in-east-asia-today-between-democracy-debates-and-discourse/>.
- Congressional Research Service. (2022). *Middle East and North Africa: Implications of 2022 Russia-Ukraine War*. Accessible from: <https://sgp.fas.org/crs/mideast/R47160.pdf>
- Congressional Research Service. (2022). *U.S. - China Strategic Competition in South and East China Seas: Background and Issues for Congress*. Accessible from: <https://sgp.fas.org/crs/row/R42784.pdf>
- Dalby, G. T. & S. (1999). *Rethinking geopolitics*. In *Choice Reviews Online* (Vol. 36), Accessible from: <https://frenndw.files.wordpress.com/2010/03/geopolitics-a-rethinking.pdf>
- Dalby, S. (1991). *Critical geopolitics: discourse, difference, and dissent*. *Environment & Planning D: Society & Space*, 9(3), 261-283.



- Democracy Index. (2021). The China challenge. Economist Intelligence, <https://www.eiu.com/n/campaigns/democracy-index-2021/>.
- Gilpin, J. M. (2018). The Challenge of Global Capitalism. In *The Challenge of Global Capitalism*, <https://press.princeton.edu/books/paperback/9780691092799/the-challenge-of-global-capitalism>.
- Gilpin, R. (1971). The Politics of Transnational Economic Relations. *International Organization*, 25, 398-419.
- Haynes, K. (2022). Sino-Russian Logrolling and the Future of Great Power Competition. In *The United States and Contemporary China-Russia Relations* (pp. 231-252). Palgrave Macmillan, Cham.
- House, W. (2017). National security strategy of the United States of America. December 2017. (revisado el 18/4/2020), Accessible from: <https://www.whitehouse.gov/wp-content/uploads/2017/12/NSS-Final-12-18-2017-0905-2.pdf>
- Huntington, S. P. (1997). *The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order*. Simon & Schuster.
- Huntington, S. P. (2017). The clash of civilizations?. *FOREIGN AFFAIRS*, 72(3), 32-51.
- Joshi, S. P. (2016). Classical geopolitics: A new analytical model. In *Comparative Strategy* (Vol. 35), Classical Geopolitics.
- Keohane, R. O., & Nye, J. S. (1977). Power and interdependence. <https://www.jstor.org/stable/2706764>.
- Khan, S. A. (2021). China's Increasing Influence in the Middle East. *E-International Relations*, <https://www.e-ir.info/2021/09/20/chinas-increasing-influence-in-the-middle-east/>.
- N Rózsa, E. (2021). China's Interests in the Middle East and North Africa. <https://www.iemed.org/publication/chinas-interests-in-the-middle-east-and-north-africa/>.
- Noorali, H., & Ahmadi, S. A. (2022). Highlighting the Geopolitical Challenges Facing the China One Belt One Road Initiative. *Geopolitics Quarterly*, 18(66), 1-34. (in persian)
- Nye, J. S., & Keohane, R. O. (1971). Transnational relations and world politics: An introduction. *International organization*, 25(3), 329-349.
- Sangiovanni, M. E. (2005). Transnational networks and new security threats. *Cambridge Review of International Affairs*, 18(1), 7-13.
- Sim, L. C., & Fulton, J. (2022). Great Power Projection in the Middle East: The China-Russia Relationship as a Force Multiplier?. *The Atlantic Council of the United States*, <https://www.atlanticcouncil.org/in-depth-research-reports/report/great-power-projection-in-the-middle-east-the-china-russia-relationship-as-a-force-multiplier/>.
- Sun, Y. (2022). Asia-Pacific Security: A Chinese Perspective. In *Asia-Pacific Regional Security Assessment 2022* (pp. 38-57), Routledge.
- Thompson, H. (2011). International economics: Global markets and competition. In *International Economics: Global Markets and Competition*, WSPC.
- Walters, W. (2004). The frontiers of the European union: A geostrategic perspective. *Geopolitics*, 9(3), 674-698.
- Wasser, B., Shatz, H. J., Drennan, J. J., Scobell, A., Carlson, B. G., & Crane, Y. K. (2022). *Crossroads of Competition: China, Russia, and the United States in the Middle East*. RAND Corporation.
- Wehrey, F. (2022). The Impact of Russia's Invasion of Ukraine in the Middle East and North Africa. <https://www.crisisgroup.org/middle-east-north-africa/impact-russias-invasion-ukraine-middle-east-and-north-africa>.
- Wigell, M., Scholvin, S., & Aaltola, M. (2018). Geo-Economics and Power Politics in the 21st Century. In *Geo-Economics and Power Politics in the 21st Century*. 1(1), 1-50.



Zakharov, N. (2015). Race and Racism in Russia. Palgrave Macmillan.  
<https://link.springer.com/book/10.1057/9781137481207>.

